

حُسن معاشرت، ویژگی ممتاز سیدالشهدا (ع)

۹ آذر ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۰۴

انسان که خواه و ناخواه در اجتماع زندگی می کند، از معاشرت با مردم گزیری ندارد و بی تردید، معاشرت برای این است که انسان، وضع اجتماعی خود را حفظ نماید و روز به روز بر ترقی و پیشرفت مادی و معنوی خود بیفزاید و مشکلات زندگی را بهتر و آسانتر حل کند.

انسان می بایست در زندگانی با مردم به نحوی برخورد نماید که موجب محبوبیت گردد و روز به روز بر وزن اجتماعی انسان بیفزاید و بر شماره یاران وی اضافه شود، زیرا اگر مردم در برخورد با کسی، سنگینی یا تلخی درک کنند، در دل‌هایشان نفرت و دل‌تنگی ایجاد خواهد شد و بالاخره روزی فرا خواهد رسید که همه از او گریزان می شوند و چنین کسی، منفور و مبعوض اجتماع خواهد شد و باید در میان جمعیت با حال تنهایی و در وطن خود، غریبانه زندگی کند. بر این اساس دین مقدس اسلام، معاشرت نیکو را به پیروان خود توصیه فرموده و این مهم در سیره رفتاری ائمه اطهار (ع) و از جمله سیدالشهدا (ع) نمود یافته است.

در این باره خوارزمی مَلّاگوید: امام حسن (ع)، به قصد سفری از مدینه بیرون شد، شب راه را گم کرد. گذرش به چوپانی افتاد و او در آن شب، از حضرت پذیرایی نمود و هنگام صبح، راه را به او نشان داد. امام حسن (ع) به چوپان فرمود: من اکنون، سراغ زمین زراعتی خود مَلّاژوم و بعد، به مدینه بر مَلّاگردم و وقتی را معین نمود و به چوپان فرمود: شما آن وقت نزد من بیا. پس در آن ساعت، مشغله‌های حضرت، مانعش شد که به مدینه باز آید. آن چوپان که برده یکی از اهالی مدینه بود، در آن وقت مقرر آمد و به خدمت امام حسین (ع)، به گمان اینکه امام حسن (ع) است، مشرف شد و عرض کرد: من، همان بنده‌ای هستم که فلان شب، میهمان من بودی و وعده دادی تا در این ساعت، خدمت شما برسم. سپس نشانه‌هایی داد که امام حسین (ع) پی برد، او برادرش امام حسن (ع) بوده است. پس حضرت از او پرسید: برده چه کسی هستی، ای غلام؟ عرض کرد: فلانی. فرمود: گوسفندان، چند رأس است؟ عرض کرد: سیصد رأس. امام حسین (ع)، مولای غلام را طلبید و او را تشویق نمود تا سرانجام، آن گوسفندان و غلام را به حضرت فروخت. پس حضرت، در برابر آن رفتار محبت آمیزی که چوپان با برادرش داشته، او را آزاد نمود و همه آن گوسفندان را به او، بخشید و فرمود: آنکس که شبانه، نزد تو میهمان بود، برادرم بود. اکنون اینها را پاداش آن رفتار نیک تو، قرار دادم.

ابن شهر آشوب مَلّاگوید: عمرو بن دینار گفت: امام حسین (ع)، بر اسامه بن زید که بیمار بود، وارد شد و او ناله اکنان مَلّاگفت: وای از این غم! حضرت فرمود: غم تو چیست، ای برادر؟ عرض کرد: بدهی من که شصت هزار درهم است. پس حضرت فرمود: همه بدهی

تو بر عهده من و من آنرا مَلِّپَرْدازم. عرض کرد: مَلِّتَرَسَم بَمیرم. فرمود: تا من بدهی تو را نپرداخته ام، نخواهی مرد. عمرو گفت: حضرت، پیش از مرگ بدهی او را پرداخته و همچنین ابن شهر آشوب آورده است: عربی بادیه نشین، وارد مدینه شد و از رهگذران پرسید: بخشنده ترین مردم مدینه، کیست؟ او را به امام حسین (ع)، راهنمایی کردند. داخل مسجد شد و امام را در حال نماز دید. در برابرش ایستاد و این اشعار را سرود: آنکس که به تو امید بسته و حلقه در خانه ات را بکوبد، ناامید نماند. تو بخشنده و تو مورد اعتمادی. پدرت کشنده تبهاران بود. اگر آن بلند همتی و دلسوزی و هدایت‌های پیشینیان شما نبود، هم اکنون دوزخ بر ما مردم فراگیر گشته بود.

راوی گفت: پس حسین (ع)، سلام نماز را داد و به قنبر فرمود: ای قنبر؛ آیا از مال حجاز، چیزی مانده است؟ عرض کرد: آری، چهار هزار دینار. فرمود: آنها را بیاور که سزاوارتر از ما به آن، آمده است. سپس دو بُرد [لباس] را در آورد و آن چهار هزار دینار را در آن دو پیچید و بخاطر شرم از اعرابی، دست مبارک خود را از شکاف در بیرون آورد و این اشعار را سرود: آن را بگیر که من، از تو عذر مَنخواهم و بدان که من بر تو مهربانم. اگر در این سلوک صبحگاهان ما، قدرتی فزون مَلِّبُود، شبانگاه آسمان جود و رحمت ما بر تو، چون ابر بهاران ریزش مَلِّکَرَد. لکن حوادث روزگار، دگرگون ساز است و بر ما تنگ گرفته است، از این روست که کف دستم کم عطا شده است.

راوی گفت: اعرابی، هدیه حضرت را گرفت و گریست. پس حضرت فرمود: شاید آنچه را به تو دادیم، اندک می آدانی؟ عرض کرد: نه، گریه من از آن روست که: چگونه خاک، این دست پر مهر و بخشش را در خود مَلِّپُوشد و از بین مَلِّبُرد؟! ابن عساکر مَلِّگُوید: اعرابی از در خانه حضرت علیها السلام برگشت، درحالی که این اشعار را زمزمه مَلِّکَرَد: اینان که از خاندان پاک پیامبرند، پاکیزگان اند که دلهاشان، در اوج پاکی است. هرگاه یاد شوند، صلوات خدا و فرشتگان و مردم، بر آنان سرازیر گردد و شما بید، شما بید برترینها. علم کتاب خدا و آن معارف و حقایق توحیدی را که سوره لها آورده اند، نزد شماست و آن کس را که چون خاندانش را مشخص مَلِّکُنی، علوی نباشد، هیچ مایه افتخاری در میان مردم نیست.

منابع:

۱- خوارزمی، مقتل الحسین (ع)، ج ۱: ۱۵۳.

۲- شوشتری، إحقاق الحق، ج ۱۱: ۴۴۵.

۳- ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴: ۶۵.

۴- علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴: ۱۸۹.

منبع: قدس آنلاين

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/32134/> ع-سیدالشهدا-ممتاز-ویژگی-معاشرت-سند